

بررسی زمینه‌ها، انگیزه‌ها و نقش عبدالرحمن بن ملجم مرادی در شهادت امام علی علیه السلام

مریم سعیدیان جزی / دانشیار دانشگاه اصفهان / msaeedyan@ltr.ui.ac.ir

تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۱۲/۱۳ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۴۰۰/۰۴/۰۳ / (DOI): 10.22034/shistu.2021.122531.1794

چکیده

این تحقیق به بررسی و بازسازی نقش عبدالرحمن بن ملجم مرادی و عوامل اثرگذار در مسئله شهادت امام علی علیه السلام می‌پردازد و نقش فرهنگ قومی، نظام اجتماعی و طبقات اثرگذار در شکل‌گیری و جهت‌دهی تحولات تاریخ صدر اسلام را برجسته می‌سازد. بر اساس این تحقیق روشن می‌گردد که مخالفان امام علی علیه السلام ائتلاف کرده بودند و در توطئه ترور آن حضرت وفاق داشتند. ظهور خوارج و تعامل آنها با این گروه فرصتی فراهم آورد تا جبهه مخالفان قوت بیشتری بگیرد و ترور آن حضرت توسط ابن ملجم صورت بگیرد. او در انجام این امر مصمم و آگاهانه عمل کرد. ابن ملجم شخصیتی برخاسته از نظام قبیله‌ای، فرهنگ بدوی و کج‌اندیشی دینی بود. مواضع و عملکرد او و جریان ائتلافی در مسئله شهادت امام علی علیه السلام در جهت این تفکر قرار داشت. در پژوهش‌های انجام شده تنها برخی روایت‌های تاریخی مرتبط با ابن ملجم بررسی شده که خالی از تحلیل انتقادی یا ارزیابی سندی و محتوایی است. همچنین در این تحقیقات از متغیرهای اثرگذار در مسئله شهادت امام علی علیه السلام غفلت گردیده و آن واقعه ناشی از خشونت و تزلزل اخلاقی و اجتماعی ابن ملجم و گرایش‌های افراطی وی قلمداد شده است. روش تحقیق این جستار تاریخی بوده و با مراجعه به منابع، روایت‌های موجود درباره نقش ابن ملجم در مسئله شهادت امام علی علیه السلام و عوامل و متغیرهای مؤثر در این زمینه صورت‌بندی، مستندسازی، تبیین، ارزیابی و تحلیل انتقادی گردیده است.

کلیدواژه‌ها: شهادت امام علی علیه السلام، ابن ملجم، عصیبت، خوارج، اشراف، روایات.

مقدمه

تحولات سیاسی حاکم بر جامعه اسلامی پس از رحلت رسول‌الله ﷺ بخشی از تغییرات برجسته اجتماعی است که از یک سو، به سیاست‌های هیئت حاکم مربوط می‌شد و از سوی دیگر، پیوند مستقیمی با سنت‌های اجتماعی و نظام قبیله‌ای حاکم بر جامعه عربی داشت. شخصیت ابن ملجم مرادی از برجسته‌ترین نمونه‌های مرتبط با شرایط فکری و فرهنگی حاکم بر جامعه اسلامی - عربی در سده نخست هجری به شمار می‌رود.

بیان مسئله

تبیین ابعاد حیات تاریخی ابن ملجم، به‌ویژه هنگامی که داده‌ها محدود، مغشوش و دارای تعارض جدی است، کار ساده‌ای نیست؛ ولی این پژوهش در مقام مواجهه انتقادی توانسته است بخش‌هایی از آن را روشن نماید. پرسش این است که عوامل فردی و اجتماعی مؤثر در شهادت امام علی علیه السلام توسط ابن ملجم چیست؟ چگونه مخالفان امام علی علیه السلام با ابن ملجم در شهادت آن حضرت با یکدیگر همگرایی و همراهی کردند؟ می‌توان گفت:

۱. خاستگاه قومی، نظام قبیله‌ای، دگرگونی‌های جامعه اسلامی و کج‌اندیشی دینی در شکل‌گیری شخصیت ابن ملجم و مواضع او نسبت به امام علی علیه السلام و شهادت آن حضرت نقش داشت.
۲. شهادت امام علی علیه السلام برآیند همگرایی و همراهی اشرافیت قبیله‌ای، جریان نفاق و خوارج با یکدیگر بود. نظام قبیله‌ای، عصبیت و کج‌اندیشی دینی با شمشیر ابن ملجم بر پیشانی امام علی علیه السلام فرود آمد.

پیشینه پژوهش

با وجود وسعت اخبار و پژوهش‌های مرتبط با شهادت امام علی علیه السلام و نقش ابن ملجم مرادی در این جنایت؛ اما همواره ابهامات و خلأهای بسیاری در این زمینه وجود دارد.

داده‌های تاریخی از تعارض‌های سندی و متنی بسیاری برخوردار است. تحقیقات جدید در خصوص تبیین نقش ابن ملجم در شهادت امام علی علیه السلام و انگیزه‌های خارجی‌گری او سردرگم است و توان حل تعارض بین مواضع ابن ملجم درباره خلافت امام علی علیه السلام و رویارویی با آن حضرت در مسئله ترور را ندارد. یکی از مسائل مهم در این باره تبیین موقعیت تاریخی ابن ملجم و ارزیابی اسناد و قراین موجود است. متأسفانه تحقیقات انجام شده در این خصوص اطلاعات پراکنده و متناقضی ارائه می‌دهد که نیازمند نقد سندی و محتوایی است.

شهیدی در پاسخ به این پرسش که آیا روایت‌های توطئه خوارج و داستان قطام برای کشتن امام علی علیه السلام حقیقت دارد؟ بیشتر بر ساختگی بودن داستان قطام در شهادت امام علی علیه السلام تأکید کرده است. (شهیدی، ۱۳۷۲ ش، ۱۵۵)

بنا بر نظر ابن داود ابن ملجم از خوارج نبود و با تحریک اشعث و معاویه، امام علی علیه السلام را کشت. (ابن داود، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۹۴)

در دو مقاله «نقش خوارج در شهادت امیر مؤمنان علیه السلام» (عیسی‌زاده، ۱۳۸۳، ش ۲۷۵) و «فتنه خوارج در شهادت حضرت علی علیه السلام» (عیسی‌زاده، ۱۳۸۴، ش ۴۷) بیشتر بر عقاید خوارج تأکید شده است.

والیری در مدخل «ابن ملجم» (Vaglieri, 1986, v. 3, pp. 887-90) شرح کوتاهی از ابن ملجم ارائه کرده و در مقاله دیگری بر این باور است که علاقه ابن ملجم به قطام و کینه‌خواهی او از امام علی علیه السلام علت اصلی شهادت آن حضرت بود؛ اما در عین حال، تحریکات و حمایت‌های اشعث بن قیس از ابن ملجم، زمینه‌های موفقیت او را فراهم آورد. (Vaglieri, 2021, Online) نجم حیدر بیشتر بر موقعیت مذهبی ابن ملجم و دینداری او تأکید کرده و در عین حال پایگاه قبیله‌ای ابن ملجم را در مواجهه با دو خلیفه سوم و چهارم مؤثر می‌داند. (Haider, 2021, v.3, Online)

مدخل «ابن ملجم» در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی شرح توصیفی مختصر و اسنادی از ابن ملجم آورده و ضمن تأکید بر گرایش‌های خارجی ابن ملجم، دیدگاه سلیمان بن داود را رد می‌کند. (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۸۲)

پاکتچی با رویکرد جامعه‌شناختی، نقش نظام قبیله‌ای به عنوان نظام اجتماعی موجود و چالش‌های سیاسی دوران خلافت امام علی علیه السلام (مثل عثمان) را مهم‌ترین علت بروز خوارج نخستین می‌داند (پاکتچی، ۱۳۸۵، ش ۵۲) و به این نتیجه می‌رسد که خوارج ماهیت ضد و مضری داشتند و تفاوت‌های طایفه‌ای و خاستگاه اجتماعی سبب شکل‌گیری آنها شد. (پاکتچی، ۱۳۹۳، ج ۵، ص ۱۱)

مقاله «نظام قبیله‌ای و خاستگاه خوارج نخستین» از بسیاری از قواعد نظام قبیله‌ای و مسئله عقل عربی و بازخوانی رویدادهای مهمی همچون تحولات دستگاه خلافت صرف نظر کرده است. (پاکتچی، ۱۳۸۵، ش ۵۲)

کئی سنت‌های حاکم بر نظام اجتماعی اعراب را مهم‌ترین مؤلفه فکری و عقیدتی خوارج می‌داند. (Kenney, 1981, v.3, pp.431-432) او در اثر دیگرش به بررسی ریشه‌های فکری رادیکالیسم اسلامی معاصر در خاورمیانه و به ویژه مصر پرداخته و آن را برخاسته از خوارج قرن نخست هجری می‌داند و نیز رویکرد مشابه آنها را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. (Kenney, 2006, Review)

در پژوهش‌های انجام شده درباره شخصیت، خاستگاه و گرایش‌های عقیدتی ابن ملجم و نقش او در شهادت امام علی علیه السلام، تنها به برخی اخبار و منابع تاریخی اکتفا گردیده و از ارزیابی سندی و متنی اجتناب شده است. از این رو احصای تمام اخبار موجود در منابع، ارزیابی و گزینش آنها و ارائه یک روایت پیوسته، که از روشمندی علمی و اسنادی لازم برخوردار باشد، رسالتی است که این تحقیق بر عهده دارد. همچنین در این تحقیقات بیشتر بر نقش عوامل فردی در شکل‌گیری دگرگونی‌های تاریخی صدر اسلام تأکید شده و تربیت اخلاقی، نظام قبیله‌ای، طبقات اجتماعی، سنت‌های قومی اعراب و جریان‌های فرهنگی اثرگذار کمتر مطرح نظر قرار گرفته است.

می‌توان گفت: ظهور خوارج ناشی از عوامل فردی و مسائل اجتماعی و فرهنگی صدر اسلام بود. خوارج علاوه بر محرومیت‌های اجتماعی و فرهنگی، به سبب فقدان عقلانیت دینی و بهره‌مند نبودن از ارزش‌های ایمانی و اخلاقی، رویاروی امام علی علیه السلام قرار گرفتند. البته نمی‌توان نقش ابن ملجم را در شهادت امام علی علیه السلام انکار کرد؛ اما از گزارش‌های منابع تاریخی و قراین موجود به دست می‌آید که امام علی علیه السلام مخالفانی داشت که علیه آن حضرت توطئه می‌کردند. ظهور خوارج فرصتی فراهم آورد تا جبهه مخالفان قوت بیشتری بگیرد و مسئله ترور امام علی علیه السلام جدی شود. قاطعیت ابن ملجم برای عملی کردن این توطئه، همراهی و حمایت برخی از مخالفان امام علی علیه السلام از وی و حضور آنها در طول این رویداد، بیانگر آن است که این گروه مواضع و عملکرد امام علی علیه السلام را خطری جدی برای منافع فردی و قومی خود می‌دانستند و در مسئله شهادت امام علی علیه السلام همگرایی و همبستگی داشتند. این تحقیق در صدد تبیین و صورت‌بندی این مسئله و رفع خلأهای موجود در حوزه تحقیقات جدید است.

ضرورت و اهمیت پژوهش

فایده این تحقیق آن است که در میان این‌همه نقل‌های متعارض و مبهم، به بازخوانی یک مسئله تاریخی به منظور تبیین وقایع تاریخی و اعتبارسنجی گزارش‌های تاریخی می‌پردازد. علاوه بر آن، با بررسی عوامل ظهور شخصیت‌هایی همچون ابن ملجم و میزان همبستگی آنها با تحولات تاریخی، بخشی از ویژگی‌های فکری و بافت اجتماعی این دوره، مانند همبستگی فرهنگ عمومی با سنت‌های جاهلی و تعارض آن با تفکر دینی و قابلیت تعمیم آن بر سایر تحولات تاریخی این عصر آشکار می‌گردد.

این جستار روش تحقیق تاریخی دارد و با مراجعه به اسناد، روایت‌های موجود درباره نقش ابن ملجم در شهادت امام علی علیه السلام جمع‌آوری، تبیین، ارزیابی و تحلیل می‌گردد. محقق کوشیده است تا روایت‌های موجود درباره عوامل مؤثر در شکل‌گیری شخصیت ابن ملجم

اعم از خاستگاه، سوابق، تربیت، و زمان و مکان) و نقش او در شهادت امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را جمع‌آوری، ارزیابی و اعتبارسنجی کند. متغیرهای اثرگذار در این زمینه نیز تبیین، مستندسازی و با رویکرد تحلیل انتقادی بررسی می‌شود.

خاستگاه، سوابق و شخصیت ابن ملجم

نام وی «عبدالرحمن» و منسوب به قبیله «مراد» از طوایف قبیله بزرگ مَدْحَج و قحطانی، است. درباره خانواده ابن ملجم اخباری در دسترس نیست. (خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۴، ص ۱۲۵ / همدانی، ۱۹۸۹، ص ۱۵۴) گرایش این قبیله به اسلام در طی وفد سال ۹ هـ و اعزام نمایندگانی از سوی رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به یمن صورت گرفت. (ابن هشام، ۱۳۵۵، ج ۴، ص ۱۰۴) ظاهراً ابن ملجم در این زمان مسلمان شد و سپس در حوادث گوناگون مشارکت داشت:

- مشارکت در فتح مصر و اسکان قبایل: قبیله مراد و ابن ملجم همزمان با فراخوان خلیفه دوم، از یمن رهسپار مدینه و از آنجا عازم مصر شدند و در مصر سکنا گزیدند. (ابن عبدالحکم، ۱۴۱۵، ص ۵۸ / سمعانی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۵۱)

- آموزش مسائل دینی: چون ابن ملجم در آموزش و قرائت قرآن تبحر داشت، (ذهبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۹۲) از طرف خلیفه دوم مأمور تبلیغ اسلام در مصر شد و در یکی از محلات مشهور فسطاط مستقر گردید. (ابن عبدالحکم، ۱۴۱۵، ص ۵۸) او در مسجدی که به نام خودش بود، تدریس می‌کرد. (سمعانی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۵۱)

- مشارکت در قتل عثمان: بر اساس گزارش ابن سعد و طبری، ابن ملجم به همراه گروهی از خویشانش به نشانه اعتراض، از مصر به مدینه آمدند و در قتل عثمان مشارکت داشتند. (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۲۶-۲۳ / طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۲۰-۳۰)

- مشارکت در حوادث دوران خلافت امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ: گزارش منابع تاریخی درباره زمان، مکان و چگونگی مشارکت ابن ملجم در رویدادهای دوران حکومت امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ، بسیار متعارض است؛ به گونه‌ای که می‌توان آنها را در پنج دسته تفکیک و ارزیابی کرد.

الف) بر اساس برخی اخبار، ابن ملجم پس از قتل عثمان و در مدینه با امام علی علیه السلام بیعت کرد. (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۶۳ و ج ۳، ص ۲۶-۲۳ / بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۵۷) شیخ مفید اظهار می‌دارد که ابن ملجم چندین بار به صورت آشکارا در بیعت عمومی شرکت کرد. (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۱) به زعم طبری، ابن ملجم همراه گروهی از خویشاوندانش از مصر به حجاز آمد و بیعت کرد. (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۲۰-۳۰) از گزارش بلاذری دریافت می‌گردد که مرادی و همراهانش پس از بیعت در کوفه ساکن شدند. (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۵۰۰-۵۰۱) به دستور امام علی علیه السلام سهمی از دیوان به این گروه اختصاص یافت. (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۱۱۴) این خبر اگرچه آغاز ورود ابن ملجم به کوفه را معلوم نمی‌کند، ولی بیانگر آگاهی و اشراف امام بر تحولات کوفه و حضور ابن ملجم در این شهر است.

ب) بر اساس اخبار دسته دوم، ابن ملجم در نبرد جمل با امام علی علیه السلام همراه شد. مطابق این سخن، می‌توان گفت: وی دیگر به مصر بازنگشت. (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۲۶-۲۳ / طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۲۰-۳۰ / ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۴۸۶) احتمال اینکه ابن ملجم اهل عراق باشد یا در عراق با امام همراه شده باشد، بنا به دلایل ذیل مردود است.

۱. نخست آنکه مطابق اخبار فتوح، قبیله بزرگ «مذحج» و طوایف آن در نبرد قادسیه و پس از آن حضور فعال داشتند، اما در بین آنها نامی از «بنی مراد» نیست. همچنین نام آنها در اسکان قبایل در کوفه، اسبوع هفت‌گانه سعد و ارباع زیاد بن ابیه دیده نمی‌شود. (ثقفی، ۱۳۵۳، ج ۱، ص ۵۱-۵۲ / بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۷۰-۲۷۱ / نصر بن مزاحم، ۱۳۸۲، ص ۱۱۸-۱۱۷ / دینوری، ۱۳۶۸، ص ۱۴۶ / طبری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۵۱۱ و ج ۴، ص ۴۶-۴۸) ۲. ابن ملجم در زمره «اهل الرايات»، رجال قبیله‌ای و طبقات کوفه، به شمار نمی‌رود و منابع بر مصری بودن وی تأکید دارند. (سمعانی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۲۵)

۳. وی در قیام علیه عثمان از مصر عازم مدینه شد. (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۵۷)

۴. بر اساس گزارش ابن‌اثیر و ابن‌کثیر، که هر دو از طبری نقل می‌کنند، و ابوعلی مسکویه از طریق دیگر، امام علی علیه السلام در ابتدای خلافت قصد قتال با شامیان کرد و از فرمانداران مصر و کوفه و بصره خواست تا نیرو بفرستند. (طبری، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۴۴۶-۴۴۲ / مسکویه، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۶۸ / ابن‌کثیر، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۲۹ / ابن‌اثیر، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۲۰۱-۲۰۴) از این رو، می‌توان گفت: بخشی از نیروهایی که از مدینه عازم عراق شدند، از مصریان بودند.

۵. در شهادت امام علی علیه السلام بر مصری بودن وی تصریح شده است. (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۰) با وجود این، آنچه محل ابهام است چگونگی حضور ابن‌ملجم در کوفه است، مگر آنکه احتمال بدهیم او همراه با امام علی علیه السلام از مدینه رهسپار عراق شده است. (ج) دسته سوم اخبار از حضور ابن‌ملجم مرادی در پیکار صفین خبر می‌دهد. (ابن‌یونس، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۳۴۹ / سمعانی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۲۶) به نوشته نصر بن مزاحم پس از کناره‌گیری یکی از شیوخ مرادی (نصر بن مزاحم، ۱۳۸۲، ص ۵۱۲)، ابن‌ملجم جنگ را رها کرد و به نشانه اعتراض راهی حروراء شد. (دینوری، ۱۳۶۸، ص ۱۹۷)

ابن‌شهر آشوب می‌نویسد پس از آنکه آن حضرت تصمیم به رویارویی با معاویه گرفت ابن‌ملجم و همراهانش مانع شدند و به سپاه چهارهزار نفری ابویوب انصاری حمله کردند. (ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۱۹۴) این روایت به اشتباه حوادث صفین و اقدامات ابویوب انصاری را به صورت یک روایت پیوسته تاریخی آورده است. دلایل این امر اخبار و گزارش‌های تاریخی است.

به نوشته بلاذری ابویوب انصاری پس از آنکه از مدینه رهسپار کوفه شد، (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۸۲) از طرف امام علی علیه السلام، مأمور تجهیز نیرو علیه شامیان گردید (ثقفی، ۱۳۵۳، ج ۲، ص ۶۰۶-۶۰۲ / طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۱۲۹) و در بازگرداندن گروهی از خوارج به کوفه (دینوری، ۱۳۶۸، ص ۲۱۰-۲۰۷) و دفع آنها در نهروان حضور فعال داشت. (ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۴۸۶)

مطابق خبر دیگری از بلاذری اقدام ابن ملجم و دیگر خوارج در پراکنده کردن سپاهیان عراق مربوط به قبل از نبرد نهروان است، (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۷۵) نه بعد از آن. به همین سبب، نمی‌توان گزارش ابن شهر آشوب را پذیرفت.

دسته چهارم اخبار از همراهی ابن ملجم با امام علی علیه السلام در نبرد نهروان و آمدن وی از یمن خبر می‌دهد. مجلسی در این زمینه به روایتی از اصبح بن نباته استناد می‌کند که بر اساس آن امام علی علیه السلام به حبیب بن منتجب، فرماندار یمن، فرمان داد ده تن از بزرگان یمنی را نزد او بفرستد. آنها به کوفه آمدند و با حضرت بیعت کردند؛ اما ابن ملجم به علت بیماری در کوفه ماند. وی در مجاورت بنی تمیم بود. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴۲، ص ۲۵۹-۲۶۷ / احمدی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۶۴-۶۵)

در ارزیابی این دسته باید گفت:

۱. نام «حبیب» در بین کارگزاران امام علی علیه السلام در یمن و اطراف آن نیست. (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۱۴۵ / ثقفی، ۱۳۵۳، ج ۲، ص ۵۹۳ / بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۵۳)
 ۲. اساساً نسبتی بین ابن ملجم و بنی تمیم کوفه وجود ندارد. بلاذری ابن ملجم را هم‌پیمان بنی جبلة کنده (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۸۹-۴۹۰) و شیخ مفید بنی‌کنده کوفه را در شمار هم‌پیمان وی آورده است. (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۷)
 ۳. این خبر با سایر اخبار ذی‌ربط در تعارض است و درباره انگیزه ابن ملجم از ماندن در کوفه و زمان اعزام وی ابهام دارد.
- ه) دسته پنجم اخبار مربوط به گزارش بصائرالدرجات است. برابر آن، محمد بن ابی‌بکر - زمانی که والی مصر بود - گروهی از مصریان را نزد امام علی علیه السلام فرستاد که ابن ملجم در میانشان بود. (ابن صفار، ۱۴۰۴، ص ۸۸) این خبر هم بر اساس قراین صحیح نیست؛ زیرا:

۱. بیعت مصریان با امام علی علیه السلام در دوران امارت قیس بن سعد (صفر ۳۶ هـ تا رجب ۳۷ هـ) و پیش از زمانی بود که امام علی علیه السلام ضرورت نبرد با معاویه را مطرح

کردند و این مسئله مربوط به قبل از نبرد جمل است. (ابن قتیبه، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۲۴) علاوه بر این، در نامه‌هایی که بین امام و قیس رد و بدل شد، اشاره‌ای به اعزام هیأت دهنفری نشده است. (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۸۹-۳۹۲ / طبری، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۴۴۵ / ثقفی، ۱۳۵۳، ج ۱، ص ۲۱۲)

۲. پس از قیس، محمد بن ابی‌بکر در رمضان ۳۷ هـ به استانداری مصر منصوب شد. (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۱) او در نبرد جمل و صفین حضور داشت (ابن قتیبه، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۲۴) و تا سال ۳۸ هـ، که با توطئه عمرو بن عاص و معاویه بن خدیج سکونی به شهادت رسید، در مصر بود. (طبری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۵۵۵) در بین نامه‌هایی که بین امام و محمد بن ابی‌بکر رد و بدل شده و قرآینی دیگر، ردپایی از اعزام هیأت‌های مصری نیست. (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۹۲-۳۹۳) البته محمد بن ابی‌بکر پیش از این و در پی نارضایتی مصریان از عبدالله بن ابی‌سرح و با حکم عثمان بر امارت مصر منصوب شد (۳۵ هـ)؛ (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۱۷۰) اما وقتی نامه مروان بن حکم را دید به مدینه بازگشت و در زمان محاصره عثمان در مدینه بود. (ابن قتیبه، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۶۲) بر اساس این خبر، که ابن قتیبه نقل کرده، اساساً محمد در ایام عثمان وارد مصر نشد و همراهان او جمعی از مهاجران و انصار بودند و کسی از مصریان همراه وی نبود. (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷۵ / ابن قتیبه، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۵۴-۵۶ / بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۸۷-۳۸۸؛ ج ۵، ص ۵۵۷-۵۵۸) دو دسته خبر اخیر حضور ابن‌ملجم در حوادث دوران خلافت امام علی علیه السلام را در اواخر خلافت آن حضرت و در قالب وفدی از مصر یا یمن بیان کرده که هر دو نادرست است. همچنین درباره مأموریت و علت ماندن آنها در کوفه سکوت کرده‌اند. این اخبار مشارکت ابن‌ملجم در قتل عثمان را انکار نموده‌اند. گویی او تا پیش از این از مصر یا یمن خارج نشده بوده است.

اخبار پنج دسته مزبور را می‌توان این‌گونه جمع‌بندی کرد: ابن‌ملجم پس از قتل عثمان و در مدینه با امام علی علیه السلام بیعت کرد. از زمان ورود وی به کوفه خبر دقیقی در دست نیست؛

اما به‌طور قطع پس از نبرد جمل و انتقال پایتخت به کوفه (۱۲ رجب ۳۶هـ) در کوفه حضور داشته است. درباره حضورش در نبرد جمل نمی‌توان سخنی گفت؛ اما مخالفت او با امام علی علیه السلام در حکمیت بیانگر حضور ابن ملجم در پیکار صفین است. حضور ابن ملجم در صفین - چنان که ابن‌داود می‌پندارد - دلیل بر شیعی بودن وی یا انکار خارجی بودنش نیست. (ابن‌داود، ۱۴۰۳ / زرکلی، ۱۹۸۹، ج ۳، ص ۳۳۹) قراین و شواهد بسیاری وجود دارد که ادعای این دو را رد می‌کند. (در ادامه این موضوع بیشتر ارزیابی می‌گردد.) ابن‌ملجم هوادار تفکر حروریه بود و با دیگر خوارج در نهروان اجتماع کرد؛ اما پس از شنیدن سخنان ابویوب انصاری به کوفه بازگشت. (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵، ج ۲۳، ص ۳-۶) مطابق این سخن، باید گفت: ابن‌ملجم در میدان نبرد نهروان (صفر ۳۸هـ) حضور نداشته است.

گزارش‌های مربوط به سرانجام ابن‌ملجم متفاوت و بعضاً دچار ابهام و تناقض است؛ (اصفهانی، ۱۹۶۵، ص ۱۸-۱۹) اما با استناد به وصیت امام علی علیه السلام در باره ابن‌ملجم می‌توان پذیرفت که ابن‌ملجم پس از آنکه آن حضرت به شهادت رسید، توسط امام حسن بن علی علیه السلام و با ضربت شمشیر قصاص شد و به هلاکت رسید. (ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۲۳-۲۵)

اثبات گرایش‌های خارجی ابن‌ملجم

بی‌گمان، تفکر خارجی ریشه در فرهنگ جاهلی عربی و کج‌اندیشی در فهم آموزه‌های وحیانی داشت. حوادث پس از رحلت رسول‌الله صلی الله علیه و آله رجعت به جاهلیت را تسریع بخشید. دین‌داری صبغه جدیدی گرفت و انگیزه‌های دینی با مصلحت‌اندیشی قبیله‌ای پیوند خورد، و چون در ظرف زندگی بدوی درآمد محصولی به نام «خارجی» تولید کرد. ابن‌ملجم برآمده از این نوع تفکر بود و متغیرهای محیطی و بافت فرهنگی و اجتماعی، مانند فتوح و اسکان و دستگاه خلافت در او تأثیر بسزایی داشت.

زمینه‌ها و دلایل خارجی‌گری وی عبارتند از:

۱. شتابزدگی و خشونت در قتل عثمان

بافت فرهنگی و اجتماعی آن روزگار، که عموماً بر پایه سنت‌های قبیله‌ای بود، در شکل‌گیری خوارج نقش مهمی داشت. خرده‌گیران بر عثمان یکدست نبودند و رویکردهای چندگانه‌ای برای مواجهه با وی در پیش گرفتند. در بین ناراضیان از عثمان، اعراب بدوی هم بودند که انتظار داشتند خلیفه، همچون شیخ قبیله، غنایم و بیت‌المال را تقسیم کند. از گزارش‌های منابع اسلامی دریافت می‌شود که خوارج نسبت به خلیفه و دستگاه خلافت نگاهی همسان به شیخ قبیله داشتند. از این رو عثمان را در جایگاه شیخ قبیله مورد نقد قرار دادند (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۱۶۶) و آن را در تقابل با نظام قبیله‌ای و مصالح قومی یافتند. ثوب از این قضیه با عنوان وابستگی قومی نام می‌برد و آن را یکی از چالش‌های فرهنگ اسلامی با نظام قبیله‌ای می‌داند. (Leube, 2020, v.36, pp.49-50) مطابق این امر و با توجه به آنچه ابن سعد و طبری نقل می‌کنند می‌توان گفت یکی از دلایلی که ابن ملجم و همراهانش را بر آن داشت تا در قیام علیه عثمان و قتل وی مشارکت نماید، تعلقات قومی و تفکر قبیله‌محور بوده است. (ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۲۳-۲۶ / طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۲۰-۳۰)

۲. افراط‌گری و کج‌اندیشی دینی در پیکار صفین

باید گفت: بیعت ابن‌ملجم با امام علی علیه السلام الزاماً به معنای هواداری و متابعت از آن حضرت نبوده است. ابن ملجم هوادار خلافت بود. از دیدگاه عمومی، انتخاب امام علی علیه السلام برای خلافت بنا بر مصالح عمومی و بر اساس اصل «انتخاب» و «اجماع» بود و ابن ملجم چاره‌ای جز بیعت نمی‌دید؛ اما گره اصلی مشکلات غلیان تفکر جاهلی در کلیت جامعه اسلامی و در هم تنیده شدن آن با مقولات دینی بود. (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵، ج ۲۶، ص ۱۳۵-۱۳۷) ابن ملجم برآمده از این جامعه و تفکر بود. در نتیجه، در نخستین گام، یعنی صفین (حکمیت) از امام جدا شد. (دینوری، ۱۳۶۸، ص ۱۹۷)

کسانی همچون ابن ملجم، که در حکمیت شعار سر دادند، ابتدا می‌گفتند: «لا حکم الا لله»، سپس از آن تبرّی جستند. (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۲۴-۲۶) می‌توان گفت: مسئله تحکیم سهم بسزایی در تثبیت خارجی‌گری ابن ملجم داشته است.

۳. انتقام‌خواهی کشتگان نهروان

بیشتر منابع درباره حضور ابن ملجم در نهروان سکوت کرده‌اند. تنها ابن‌اعثم او را از همراهان امام علی علیه السلام می‌داند. (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۲۷۶) صحیح آن است که ابن ملجم از بازگشتگان خوارج در نهروان است که در کوفه به سر می‌برد. به اعتقاد ابن ملجم و هم‌مسئکانش، کشتگان نهروان بهترین مردم و پرهیزگارترین آنها در درگاه خدا هستند و خون‌خواهی‌شان وظیفه بازماندگان است. (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۱۴۴)

۴. اجتماع مخالفان امام علی علیه السلام در کوفه

کوفه، شهر تازه تأسیس اسلامی، به «رأس اهل الاسلام»، «رأس العرب» و «وجوه الناس» (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۸۶ و ۸۷) شهرت داشت و امام علی علیه السلام آن را با عبارات «لَهَامِيمُ الْعَرَبِ»، «يَا فَيْحُ الشَّرَفِ»، «الْأَنْفُ الْمَقْدَمُ» و «الْأَسْنَامُ الْأَعْظَمُ» وصف کرده است. (سیدرضی، ۱۳۸۰، خطبه ۱۰۷) به علت این جایگاه و اهمیت افراد آن، بسیاری از رجال مشهور به این شهر مهاجرت کردند. (ذهبی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۲۳) درباره برخی از این افراد، مانند اشعث بن قیس، که در توطئه ترور امام علی علیه السلام نقش مؤثری داشت، در ادامه توضیحات بیشتری داده خواهد شد.

یکی از صحنه‌گردان‌های عملیات ترور ابن ملجم مرادی است. ابن حجر می‌نویسد: ابن ملجم پس از بازگشت از حج، با خوارج کوفه و دیگران رفت و آمد داشت. (ابن حجر، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۸۳) ارتباطات ابن ملجم با خویشاوندان مرادی‌اش، که مظنون به خارجی بودند، بلاذری را بر آن داشته است تا بنی‌مراد را در قتل امام علی علیه السلام شریک بداند. (بلاذری،

۱۴۱۷، ج ۲، ص ۵۶) دقت در مواضع هم‌مسلمانان ابن ملجم، که برخی از آنها علقه نسبی با وی داشتند، این ادعا را ثابت می‌کند. شیبیب بن بجره اشجعی در حضور معاویه اعتراف کرد که همراه با ابن ملجم در قتل امام علی علیه السلام حضور داشته است. (همان، ج ۵، ص ۱۶۶) ابن حبیب نیز با نقل روایاتی از شاهدان عینی همراه با امام علی علیه السلام، حضور شیبیب در کنار ابن ملجم و اشعث را تأیید می‌کند. (ابن حبیب، ۱۴۲۲، ص ۱۲۱) ابن میناس مرادی به صراحت اعتراف کرد که ما علی علیه السلام را کشتیم؛ پس نماز شکر بگزارید! (همان، ج ۲، ص ۵۰۸) گروهی دیگر اقدام ابن ملجم را مایه شرافت او در دنیا و آخرت دانستند! (ابن اثیر، بی تا، ج ۳، ص ۱۶۹) بر اساس گزارش ابن سعد معلوم می‌گردد که همزمان با حضور ابن ملجم در مسجد کوفه، افراد دیگری چون اشعث بن قیس کنندی، بنی مراد و خوارج نیز حضور داشتند. (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۲۶-۲۴) مطابق با این امر، شهادت امام علی علیه السلام نتیجه همفکری و مشارکت خوارج، منافقان و اشرافیت نوپای کوفه بوده است.

۵. دشمنی خوارج با امام علی علیه السلام

خوارج با ساده‌اندیشی و اجتهاد به رأی درباره آیه ۴۰ سوره یوسف و بر اساس شعار «لا حکم الا لله»، حکومت امام علی علیه السلام را انکار کردند و برائت از وی را عامل سامان یافتن امور مردم دانستند. (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۱۴۴) ابن ملجم پس از حکمیت، خلافت امام علی علیه السلام را انکار کرد. (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۲۴-۲۶) همچنین در ایام حج او و همفکرانش با هواداران امام علی علیه السلام درگیر شدند (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۴۵-۳۴۶) و قسم خوردند که دشمنانشان را خواهند کشت. (همان، ص ۴۸۸)

۶. قرابت آراء ابن ملجم و خوارج

امام علی علیه السلام در پاسخ به اشعث درباره سرانجام امت فرمودند:

«سوگند به خدا ای فرزند قیس همین‌طور که گفتم حق با من است لکن از امت هلاک نمی‌شوند مگر دشمنان و اهل مجادله و انکارکنندگان، و اما آن کسانی که تمسک به توحید خدا نموده، و به محمد و اسلام اقرار آورده‌اند، و از ملت اسلام خارج نشدند، و دشمنان و ستمگران را بر علیه ما تحریک ننموده‌اند، و با ما بنای عداوت و دشمنی نگذارده‌اند، لکن در حقانیت خلافت ما شک نموده و اهل خلافت و ولایت را نشناخته‌اند، نه به ولایت ما اقرار نموده و نه به دشمنی با ما برخاسته‌اند، این گروه مسلمانان مستضعفانند که باید به رحمت خدا درباره آنان امیدوار بود، و از گناهان آنان ترسید.» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۴۷۱)

خوارج از جمله گروه‌هایی بودند که در ورطه کج‌فهمی و دگراندیشی دینی افتادند (قراملکی، ۱۳۷۷، ص ۱۶۳-۱۸۴) و پیروان دیگر ادیان و عموم مسلمانان را کافر خواندند. ابن ملجم به قدری تعصب خارجی داشت که به تشییع جنازه افراد نمی‌رفت. (هیثمی، ۱۹۸۸، ج ۹، ص ۱۴۴)

ساختار تاریخی شهادت امام علی علیه السلام

منابع اسلامی اجماع دارند که ابن ملجم به همراه دو تن دیگر از خوارج و در جوار کعبه تصمیم گرفتند حضرت علی علیه السلام، معاویه و عمرو بن عاص را بکشند. (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۳۵-۳۶ / ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۱۴۶ / ابن خلدون، بی تا، ج ۲، ص ۲۶۲-۲۶۴) ابن ملجم در شب نوزدهم ماه رمضان (۴۰ هـ) امام علی علیه السلام را با شمشیر زهرآلودی ضربت زد و آن حضرت بر اثر آن به شهادت رسید.^۱

۱. ابوبکر بن عیاش در مقایسه ضربه حضرت علی علیه السلام در غزوه خندق و ضربه ابن ملجم در مسجد کوفه می‌گوید: «علی ضربه‌ای زد که عزیزتر از آن، یعنی کشتن عمرو بن عبدود نیست و ضربه‌ای خورد که شوم‌تر از آن در اسلام نیست و آن ضربه ابن ملجم است که لعنت خدا بر او باد.» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۹، ص ۶۲)

انگیزه‌های ابن‌ملجم در به شهادت رساندن امام علی علیه السلام

در منابع اسلامی انگیزه‌های متعددی برای اقدام ابن‌ملجم در شهادت امام علی علیه السلام آمده که در ادامه، تفکیک و ارزیابی می‌شود:

۱. گرایش‌های خارجی

بین گرایش‌های خارجی ابن‌ملجم و نقش او در شهادت امام علی علیه السلام ارتباط مستقیمی وجود دارد. شیخ مفید در شرح بخشی از دیدگاه‌های خوارج، به رابطه مستقیم میان شهادت امام و حضور تفکر خارجی در آن تصریح می‌کند. بر این اساس، عقاید خوارج، که به اجتماع مکه و توطئه ترور انجامید، عبارت است از:

- گفت‌وگو درباره امرا و فرمانروایان، عیب‌جویی از آنان و گمراه خواندن ایشان؛

- یادآوری مقتولان خوارج نهروان و دلسوزی بر آنها. (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۱-۱۷)

خوارج پس از یادآوری سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و شیخین و محکوم کردن حکمیت، بر کشتن امام علی علیه السلام، عمرو بن عاص و معاویه اجتماع کردند. این گروه، که مدائنی با عبارت «بنی‌ملجم» از آنها یاد می‌کند، چند هدف عمده را دنبال می‌کردند:

الف. احیای سنت و روش شیخین؛

ب. خلع حضرت علی علیه السلام؛

ج. کشتن امیران و پیشوایان کافر و آسوده کردن مردم و بلاد از دست آنها؛ (بلاذری،

۱۴۱۷، ج ۲، ص ۵۰۶-۵۰۸)

د. خون‌خواهی کشتگان نهروان. (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۱۱۳)

ابن‌ملجم از هواداران و پیروان خوارج بود. به همین سبب، خوارج در بزرگداشت او بسیار کوشیدند. به نظر می‌رسد آنچه مقام و موقعیت ابن‌ملجم را نزد خوارج با اهمیت و ستودنی کرد (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۵۰۸) تصمیم او در به شهادت رساندن امام علی علیه السلام

بود. (ن.ک: ابن‌کثیر، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۲۴۰، ج ۷، ص ۳۲۸)

۲. شقاوت و فسق

عموم مسلمانان اقدام ابن ملجم در به شهادت رساندن امام علی علیه السلام را نابخشودنی و دلیل بر شقاوت و سرکشی او دانسته‌اند. (ذهبی، بی تا، ج ۳، ص ۶۵۳-۶۵۴) ابن عبدالبر او را «فتاک عرب» می‌خواند. (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۱۲۵-۱۱۲۲) امام حسن علیه السلام فرمودند: «اقدام ابن ملجم از مصادیق بارز دشمنی با خدا و فساد در دین است.» (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۲)

۳. تحریکات قظام و هم‌کیشان

به نظر ابن اعثم، شیفتگی ابن ملجم به زنی به نام «قظام» علت شهادت امام علی علیه السلام بود. (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۲۷۶) قظام زنی زیبا بود و ابن ملجم را فریب داد. (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۰۷) او کابین خود را سه هزار درهم و یک کنیز و یک غلام و کشتن علی علیه السلام قرار داد و به ابن ملجم گفت: چگونه آن حضرت را بکشد و کسانی را به یاری وی فرستاد. (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۲۷۶) ابن ملجم مدتی را در مسجد به اعتکاف نشست و با خوارج درباره کشتن حضرت علی علیه السلام گفت‌وگو می‌کرد، تا اینکه شب چهارشنبه ۱۹ رمضان فرا رسید. خوارج به دیدار قظام آمدند. او حریری طلبد و به سینه‌هایشان بست. سپس با شمشیرهای آماده رهسپارشان کرد. آنها بر در مسجد منتظر امام علی علیه السلام ماندند. (مفید، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۲) مطابق این اخبار، می‌توان گفت: قظام از هواداران خوارج بود و چون پدر و برادرش در نهروان کشته شده بودند، کینه حضرت علی علیه السلام را به دل گرفته بود.

آنچه روشن است اینکه قظام در توطئه علیه امام علی علیه السلام نقش مستقیمی داشته و با تحریک عواطف و غریزه ابن ملجم، او را مصمم به اجرای نیت خود ساخته است. از آنچه طبری نقل می‌کند می‌توان دریافت آنچه ابن ملجم را بر آن داشت تا با قظام هم‌عهد شود همسویی منافع عقیدتی، حس انتقام‌جویی خارجی این دو، و کینه‌ای بود که خوارج از امام علی علیه السلام داشتند. (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۱۴۴)

توطئه ائتلافی در شهادت امام علی علیه السلام

شهادت امام علی علیه السلام نتیجه ائتلاف مخالفان آن حضرت بود. امام علی علیه السلام در سه نبرد جمل، صفین و نهروان با مخالفان خود جنگید. در نتیجه، جریان ائتلافی مقابله منفی کرد و طرفداران آن در توطئه علیه امام علی علیه السلام هم‌داستان شدند. ائتلاف فتنه در نهایت، از طریق ابن ملجم به مقاصد پلید خود لباس عمل پوشانند. ابومخنف از دی، ابن‌راشد و رفاعی طبق نقل طبری، ابراهیم ثقفی و بلاذری درباره مشارکت افراد دیگری غیر از ابن ملجم در شهادت امام علی علیه السلام خبر می‌دهند. (ثقفی، ۱۳۵۳، ج ۲، ص ۶۰۲-۶۰۶ / بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۴۵-۳۴۶ / طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۱۴۴)

قراین و شواهد متعددی وجود دارد که ثابت می‌کند خوارج و دیگر مخالفان امام علی علیه السلام مانند اشعث بن قیس نقشه ترور آن حضرت را طراحی نمودند و ابن ملجم اجرا کرد. (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۱۴۴)

اشعث بن قیس کندی از شیوخ قبیله یمنی‌کنده و مشاهیر کوفه بود. (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۴، ج ۱۶، ص ۳۲۷) او تعصب قومی و جاهلی داشت (نصر بن مزاحم، ۱۳۸۲، ص ۵۱۲ / دینوری، ۱۹۶۰، ص ۱۹۷) و در برپایی حکمیت صفین سهم مؤثری ایفا نمود. او شب «لیله الهریر» در بین کوفیان خطابه‌ای خواند که معاویه از آن بهره برد و طرح حکمیت را براساس سخنان اشعث مدیریت و طراحی کرد. (صفوت، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۵۹)

محورهای اصلی سخنرانی اشعث عبارت بود از: خطر از بین رفتن؛ ترس از زنان و کودکان؛ اراده خداوند بر اموری که چه بسا خوشایند ما نیست؛ خطر از بین رفتن مقدسات؛ تجربه بسیار او در صحنه نبرد؛ و آگاهی او از قریب الوقوع بودن آتش‌بس با شامیان. (نصر بن مزاحم، ۱۳۸۲، ص ۴۸۰-۴۸۱) پس از آن، چنان‌که دینوری می‌نویسد، اشعث بن قیس کندی در میان کوفیان عبور می‌کرد و آنها را با شعار «لا حکم الا لله» به پرهیز از نبرد و پذیرش حکمیت برمی‌انگیخت. (دینوری، ۱۹۶۰، ص ۱۹۷)

ابوالفرج اصفهانی از عبدالله بن عدی روایت می‌کند: اشعث بن قیس پس از حکمیت و در نماز جمعه، نسبت به سخنان آن حضرت اعتراض کرد. عبدالله گفت وگویی اشعث با امام علی علیه السلام را این‌گونه روایت می‌کند. علی علیه السلام در خطبه نماز جمعه درباره حکمیت فرمود: «ای مردم، شما ادعا می‌کنید که من از جانب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم سخن نمی‌گویم.» در ادامه فرمود: «هر کس ادعایی کند یا فتنه‌ای ایجاد کند خدا و رسول و فرشتگان او را لعنت می‌کنند.» اشعث، که در این هنگام بر منبر تکیه داده بود، گفت: این سخن بر ضرر تو تمام شد. از آن بگذر! امام علی علیه السلام در پاسخ او فرمود: «چه چیز تو را آگاه نمود که چه چیزی به ضرر و نفع من است!» سپس لعنت خدا و نفرین نفرین‌کنندگان را سزاوار او دانست و از گذشته کفر و ارتدادش سخن گفت و با عباراتی همچون «کافر» و «منافق» اشعث را سرزنش کرد. (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۵، ج ۲۱، ص ۱۴-۱۵ / درباره سابقه ارتداد اشعث، ر.ک. همان، ج ۱۵، ص ۱۱۳)

انحراف، دشمنی و مخالفت اشعث تا آنجا ادامه یافت که امام علی علیه السلام را خلع نمود و با دشمنان ایشان هم‌پیمان شد. (خصیبی، ۱۴۱۹، ص ۱۸۴) ابن حبیب می‌نویسد: شبی که ابن ملجم شمشیر زهرآلود خودش را بر فرق امام علی علیه السلام فرود آورد، اشعث بن قیس هم حضور داشت. اشعث به همراه ابن ملجم و شبیب با هم بودند. وقتی مؤذن ندای اذان سر داد اشعث به ابن ملجم گفت: «فضحک الصبح» و آنها برای کاری به مسجد رفتند. (ابن حبیب، ۱۴۲۲، ص ۱۲۱)

ابن ابی‌الحدید روایت حجر بن عدی از این صحنه را این‌گونه روایت می‌کند که اشعث به ابن ملجم چنین گفت: «النجا، النجا، بحاجتک، فقد فضحک الصبح.» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۱۱۷) این عبارت در معنای مجاز، برای کسی به کار می‌رود که خواب است و باید بیدار شود. (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۱۵۶)

بلاذری همچنین بر دو قضیه رفت و آمد اشعث به مسجد و خلوت او با ابن ملجم در اطراف مسجد تأکید نموده و مطابق تعبیر حجر بن عدی نقش اشعث را در شهادت امام

تأیید کرده است. پس از آنکه امام علی علیه السلام به شهادت رسید، حجر خطاب به اشعث گفت: ای عور (لوچ)، تو او را کشتی. (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۹۳)

بر اساس خبر دیگری که مربوط به پس از ضربت خوردن امام علی علیه السلام است، روشن می‌گردد که اشعث در صحنه ترور امام حضور داشته است. ابن اثیر می‌نویسد: اشعث فرزندش را به خانه امام فرستاد تا درباره وضعیت آن حضرت اخباری بیاورد. سپس چنین گفت: «رأيت عينيه داخلتين في رأسه فقال الأشعث: عيني دميغ ورب الكعبة» (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۶۱۷)

با توجه به سوابق اشعث و گفت‌وگوی او با امام علی علیه السلام و تهدید آن حضرت به قتل و همراهی با ابن ملجم در مسجد کوفه و قراین و شواهدی که ذکر شد، روشن می‌گردد که اشعث و ابن ملجم بر امری که پیش از این درباره آن تصمیم گرفته بودند در مسجد اجتماع نموده و در این میان اشعث در امر راهبری این توطئه شوم، یعنی ترور امام علی علیه السلام نقش محوری ایفا می‌کرده و ابن ملجم تابع و مطیع او بوده است.

از دیگر گزینه‌های مؤثر در توطئه ترور امام علی علیه السلام، معاویه بن ابی سفیان است. او در جهت براندازی حکومت امام علی علیه السلام و در جریان طرح «غارات»، متوجه حجاز شد و با استفاده از موقعیت مکه، همدلی قریش و خون‌خواهان عثمان با او (نصر بن مزاحم، ۱۳۸۲، ص ۴۲۴) و مهم‌تر از همه، حضور خوارج در مکه، از توافق آنها بر بیزاری از حضرت علی علیه السلام و برکناری ایشان بهره برد. کار به جایی رسید که مخالفان امام علی علیه السلام رؤیای برتری دشمنان را بر آن حضرت در سر می‌پروراندند. (ثقفی، ۱۳۵۳، ج ۱، ص ۲۸-۳۰)

معاویه از این شرایط مطلع بود. مردم، فرماندهان و روسای قبایل شامی را با خود همدل نمود و سپاهیان را عازم حجاز کرد. از این نمونه است اعزام گروهی از شامیان به مکه به فرماندهی یزید بن شجرة رهاوی. (بلاذری، ج ۲، ص ۴۶۱) مأموریت یزید این بود که بدون جنگ و با استفاده از موقعیت حج، همگان را علیه امام علی علیه السلام بشوراند و زمینه بیعت با معاویه را فراهم کند. (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۲۰)

از سوی دیگر، حضرت علی علیه السلام در کنار برخورد با آشوب‌طلبی خوارج، (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۹۰) با صدور فرمان جهاد علیه شامیان نشان داد بخش مهمی از مشکلات حاصل توطئه‌های معاویه است. معاویه از تصمیم امام به شدت می‌ترسید. از این رو، چاره‌ای جز ایجاد نا امنی، القای ناکارآمدی و ائتلاف با مخالفان امام علی علیه السلام نداشت. (تقفی، ۱۳۵۳، ج ۱، ص ۴۳-۴۵)

یزید بن شجره پس از آنکه در اطراف مکه مستقر شد، از طریق نمایندگان خود با خوارج ارتباط برقرار ساخت، (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۶۲) نظر آنها را جلب کرد و موافقت‌هایی به دست آورد. (المبرد، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۱۴۵) او در دیدارهای خود بر بیزاری از حضرت علی علیه السلام و انکار آن حضرت (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۲۲۰) و بیان محاسن معاویه مبالغه نمود. (ابن ابی‌الحدید، ج ۱۶، ص ۱۳۸)

پس از آنکه مراسم حج پایان یافت یزید و شامیان بازگشتند، خوارج هم شعار سر دادند و علی و معاویه را تکفیر و هر دو را انکار کردند. به نوشته بلاذری خوارج پس از نهران، مجاور خانه خدا شدند و گفتند: ما به این وسیله شر فاسدان را کم می‌کنیم و امت را نجات می‌دهیم تا مردم خودشان رهبر تعیین می‌کنند. (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۸۹-۴۹۰) ابن قتیبه غیر از این معتقد است: بعد از حج سال ۳۹ هجری چند تن از خوارج مجاور خانه خدا شدند و افکاری را در سر می‌پروراندند، تا اینکه سه تن از آنها، که عبدالرحمن بن ملجم مرادی در میانشان بود، هم‌پیمان شدند که امام علی علیه السلام و دو تن دیگر را بکشند. آنها منتظر ماندند تا عمره ماه رجب را هم به‌جا آوردند. سپس هر کدام راهی مقصد خود شدند. (ابن قتیبه، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۳۷) به نوشته مبرد بعد از گفت‌وگوهای یزید بن شجره با خوارج و سپری شدن ایام حج بود که خوارج تصمیم به ترور گرفتند. (مبرد، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۱۴۵)

بدین‌سان، روشن می‌گردد در شهادت امام علی علیه السلام گروه‌های مخالف امام علی علیه السلام با یکدیگر هم‌پیمان شدند و هر یک به سهم خود در این توطئه شوم حضور داشتند.

جمع‌بندی و نتیجه

در این مقاله نقش عبدالرحمن بن ملجم مرادی در شهادت امام علی علیه السلام بررسی شد. شخصیت ابن ملجم و اثرگذاری او بر تحولات تاریخ صدر اسلام بیانگر آن است که این تحقیق فراتر از شرح شخصیت یا تبیین واقعیت‌های تاریخی، موضوع مهمی برای تبیین و تحلیل علل وقوع تغییرات اجتماعی جامعه اسلامی در قرن نخست هجری به شمار می‌رود. مطابق این سخن می‌توان گفت:

۱. گرایش‌های سیاسی و اعتقادی ابن ملجم برگرفته از خاستگاه قومی، شرایط فرهنگی، نهادهای اجتماعی و نظام حکومتی جامعه اسلامی بود. بن‌مایه‌های تفکر جاهلی (عصبیت)، زیاده‌خواهی و کج‌فهمی دینی ابن ملجم را در زمره هواداران یکی از منفورترین جریان‌های فکری جامعه اسلامی، یعنی خوارج قرار داد. ابن ملجم اگرچه در علنی کردن عقاید خارجی سهم بسزایی داشت، اما نمی‌توان او را در شمار رهبران خوارج به شمار آورد. آراء و مواضع ابن ملجم فاقد اصول بنیادین معرفتی و ناشی از خاستگاه جاهلی و قبیله‌ای وی بود و معیارهای لازم برای اصلاح و انسجام اجتماعی و فرهنگی نداشت.

۲. توطئه شهادت امام علی علیه السلام نتیجه ائتلاف اشرافیت قبیله‌ای، نفاق و خوارج بود. ابن ملجم در زمره یکی از اصلی‌ترین دشمنان و مخالفان سرسخت امام علی علیه السلام قرار داشت و نماینده خوارج و مجری ترور آن حضرت شد. بر اساس این تحقیق، معلوم گردید که در توطئه علیه امام علی علیه السلام بین گرایش‌های خارجی ابن ملجم و اهداف دیگر مخالفان آن حضرت ارتباط مستقیم وجود داشته است. این در حالی است که منابع عمدتاً شهادت امام علی علیه السلام را به عامل فردی و هیجانات ابن ملجم نسبت می‌دهند و از نقش و جایگاه سایر عوامل محیطی، اجتماعی و فرهنگی غفلت کرده‌اند.

منابع

۱. ابن ابی الحدید (۱۴۰۴)، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی.
۲. ابن اثیر (بی‌تا)، اسدالغابه فی معرفة الصحابه، بیروت، دارالفکر.
۳. _____ (۱۳۸۵)، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر.
۴. ابن اعثم الکوفی، احمد (۱۴۱۱)، الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الاضواء.
۵. ابن حبیب، ابوجعفر محمد (۱۴۲۲)، اسماء المغتالین، تصحیح حسن کسروی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۶. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (بی‌تا)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ط. الثانیه، بیروت، دارالمعرفه.
۷. _____ (۱۴۱۵)، الاصابه، تحقیق عادل عبدال موجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۸. ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۴۰۸)، العبر و دیوان المبتداء والخبر، تحقیق خلیل شجاء، ط. الثانیه، بیروت، دارالفکر.
۹. ابن داوود، سلیمان یوسف (۱۴۰۳)، الخوارج هم انصار الامام علی علیه السلام، الجزائر، دارالبعث.
۱۰. ابن سعد، ابوعبدالله محمد (۱۴۱۰)، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطاء، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۱. ابن عبدالبر، ابوعمر یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲)، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دارالجیل.
۱۲. ابن عبدالحکم، عبدالرحمن بن عبدالله (۱۴۱۵)، فتوح مصر والمغرب، بی‌جا، مکتب الثقافه الدینه.
۱۳. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن (۱۴۱۵)، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالفکر.
۱۴. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۰)، الامامه و السیاسة، تحیق علی شیری، بیروت، دارالاضواء.
۱۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷)، البدایة و النهایة، بیروت، دارالفکر.
۱۶. ابن هشام، ابومحمد عبدالملک (۱۳۵۵)، السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقاء، ابراهیم الایاری و عبدالحفیظ شبلی، قاهره، مکتبه مصطفی البابی الحلبي (افست تهران، مکتبه الصدر).
۱۷. ابن یونس، عبدالرحمن بن أحمد (۱۴۲۱)، تاریخ ابن یونس المصری، بیروت، دارالکتب العلمیه.

۱۸. احمدی میانجی، علی (۱۴۲۶)، *مکاتیب الائمه*، قم، الحدیث.
۱۹. اصفهانی، ابوالفرج (۱۹۶۵)، *مقاتل الطایبین*، نجف، الحیدریه.
۲۰. _____ (۱۴۱۵)، *الاغانی*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۲۱. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷)، *أنساب الأشراف*، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر.
۲۲. بلاشر، رژی (۱۳۶۳)، *تاریخ ادبیات عرب*، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران، مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۳. پاکچی، احمد (۱۳۸۵)، «نظام قبیله‌ای و خاستگاه خوارج نخستین»، *شناخت*، زمستان، ش ۵۲.
۲۴. _____ (۱۳۹۳)، *پیدایش و رشد خوارج*، نشست علمی، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، به آدرس: <https://www.cgie.org.ir/fa/news/23808> - تاریخ مراجعه: ۱۳۹۷/۷/۳۰.
۲۵. ثقفی، ابراهیم (۱۳۵۳)، *الغارات*، تحقیق حسینی ارموی، تهران، انجمن آثار ملی.
۲۶. حموی، یاقوت (۱۳۹۹)، *معجم البلدان*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۲۷. خصیبی، حسین بن همدان (۱۴۱۹)، *الهدایه الکبری*، بیروت، البلاغ.
۲۸. خلیفه بن خیاط، ابو عمرو خلیفه بن خیاط بن ابی‌هبیره (۱۴۱۴)، *کتاب الطبقات*، تحقیق سهیل زکار، بیروت، دارالفکر.
۲۹. دینوری، ابوحنیفه (۱۳۶۸)، *اخبار الطوال*، تحقیق عبدالمنعم عامر، قم، الرضی.
۳۰. ذهبی، محمد (۱۴۱۳)، *سیر اعلام النبلاء*، تحقیق شعیب الارناؤوط و حسین اسد، ط. التاسعه، بیروت، الرساله.
۳۱. _____ (بی‌تا)، *میزان الاعتدال فی نقد الرجال*، تحقیق علی محمد بجاوی، بیروت، دارالمعرفه.
۳۲. زبیدی، مرتضی (۱۴۱۴)، *تاج العروس*، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالفکر.
۳۳. زرکلی، خیرالدین (۱۹۸۹)، *الاعلام*، ط. الثامنه، بیروت، دارالعلم للملایین.
۳۴. سمعانی، عبدالکریم (۱۳۸۲)، *الانساب*، تحقیق عبدالرحمن بن یحیی المعلمی، حیدرآباد، دائرةالمعارف العثمانیه.
۳۵. سیدرضی، ابوالحسن محمد بن حسین (۱۳۸۰)، *نهج البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، قم، صفحه نگار.
۳۶. شهیدی، جعفر (۱۳۷۲)، *تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان*، چاپ چهاردهم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

۳۷. صفوت، احمد زکی (بی تا)، *جمهرة خطب العرب*، بیروت، مکتبه العلمیه.
۳۸. طبری، محمد (۱۳۸۷)، *تاریخ الأمم و الملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ط. الثانیه، بیروت، دارالتراث.
۳۹. عیسی زاده، ولی الله (۱۳۸۳)، «نقش خوارج در شهادت امیرمؤمنان علیه السلام»، *پاسدار اسلام*، آبان، ش ۲۷۵.
۴۰. _____ (۱۳۸۴)، «فتنه خوارج در شهادت حضرت علی علیه السلام»، *رواق اندیشه*، آبان، ش ۴۷.
۴۱. قدردان قرا ملکی، محمدحسن (۱۳۷۷)، «نظریه جدانگاری امانت از اصول دین»، *نامه مفید*، تابستان، ش ۱۴.
۴۲. میرد، محمد بن یزید (۱۴۱۷)، *الکامل فی اللغة و الادب*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ط. الثالثه، قاهره، دارالفکر العربی.
۴۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴)، *بحار الانوار*، بیروت، الوفاء.
۴۴. مسعودی، علی (۱۴۰۹)، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، تحقیق اسعد داغر، ط. الثانیه، قم، دارالهجره.
۴۵. مسکویه، ابوعلی (۱۳۷۹)، *تجارب الامم*، تحقیق ابوالقاسم امامی، ط. الثانیه، تهران، سروش.
۴۶. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳)، *الارشاد*، قم، کنگره شیخ مفید.
۴۷. موسوی بجنوردی، محمدکاظم (۱۳۷۷)، «ابن ملجم»، *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر محمدکاظم موسوی بجنوردی، چاپ دوم، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۸۲ انتشار برخط ۱۳۹۹/۳/۲۰ به آدرس <https://cgie.org.ir/fa/article/224585/> - تاریخ مراجعه: ۱۴۰۰/۷/۶.
۴۸. نصر بن مزاحم (۱۳۸۲)، *وقعة صفین*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قاهره، الحدیثه.
۴۹. همدانی، حسن (۱۹۸۹)، *صفة جزيرة العرب*، تحقیق محمد بن علی الأکوع، بغداد، دارالشؤون.
۵۰. هیشمی، نورالدین (۱۹۸۸)، *مجمع الزوائد و منبع القوائد*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۵۱. یعقوبی، احمد (بی تا)، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دار صادر.
52. Haider, Najam I., "Ibn Muljam", *Encyclopaedia of Islam*, (second ed.), Edited by: Kate Fleet, Gudrun Krämer, Denis Matringe, John Nawas, Everett Rowson. Consulted online on 28 September 2021 <http://dx.doi.org/10.1163/1573-3912_ei3_COM_30889>
53. Kenney, Jeffery.T, "Khawarij (Kharijits)", *Encyclopedia of Islam*, Edited by Juan Eduardo Campo, Infobase Publishing, 2009, v3, pp 431-432.

54. Kenney, Jeffery.T, (2006), *Muslim Rebels: Kharijites and the Politics of Extremism in Egypt*, Oxford: Oxford University Press.
55. Leube, Georg," Arabia and Iraq" in *Transregional and Regional Elites – Connecting the Early Islamic Empire (Volume 36)*, Edited by Hannah-Lena, Hagemann, and Stefan Heidemann, German: Universität Hamburg, 2020, e-ISBN (PDF) 978-3-11-066980-0.
56. Vaglieri, Veccia, L., "Alī b. Abī Ṭālib", in: *Encyclopaedia of Islam, Second Edition*, Edited by: P. Bearman, Th. Bianquis, C.E. Bosworth, E. van Donzel, W.P. Heinrichs, Consulted online on 28 September 2021. http://dx.doi.org/10.1163/1573-3912_islam_COM_0046
- Vaglieri, Veccia, L (1986). "Ibn Muldjam". *Encyclopaedia of Islam, (second ed.)*, Leiden-London: E. J. Brill, pp ۸۸۷-۹۰. ISBN 90-04-08118-6.